

موضوع پژوهش: آسیب شناسی نقد هنر (نقاشی) در ایران معاصر

استاد راهنما: دکتر داریوش فرد

گرد آورنده: گلنوش بهمنش

کارشناسی ارشد رشته نقاشی، ورودی ۸۸

پاییز ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمامی دستاوردهای این پژوهش متعلق به دانشگاه الزهراء می باشد.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم که چگونه زیستن را به من آموختند.

با تشکر از اساتید محترم که نگاه پژوهش گرانه را از آنها فرا گرفتم. و با سپاس از زحمات بی دریغ ایشان که با دلسوزی تمام در راه آموزش علم و هنر و معرفت در حق اینجانب متحمل شده اند.

و با نهایت تشکر از خانواده عزیزم و تمامی دوستانی که مرا در این راه یاری کرده اند.

چکیده

اهمیت نقد هنر و ضرورت اتکای آن، بر هدف پیشبرد هنر متعالی، مستلزم بررسی و پژوهشی عمیق از چگونگی عملکرد نقد در هنر امروز و رسیدن به اصول واقعی آن است.

متأسفانه در چند دهه اخیر، در هنر معاصر ایران، شاهد نقدهایی غیر اصولی بوده ایم و بیشتر از نقد هنر، به انتقاد هنری بر می خوریم. در انتقاد تنها ارزیابی (بد یا خوب) مطرح است. در صورتیکه در نقد اصولی، باید به سه اصل (توصیف، تفسیر، ارزیابی) پرداخته شود. برای رسیدن به هدف نقد اصولی، فرضیه پژوهش بر این است که اگر تعاریف کلیدی در مورد ابزار نقد (انواع سبکهای هنری، انواع نقد از جمله نقد زیبایی شناسی، هرمنوتیک، تلفیقی و ...) قالبهای نقد (نقد criticism، بازنگری review و ...) به صورتی منسجم ارائه گردد، تا حدی از این سردرگمی در نقد کاسته می شود.

مشکل اساسی منتقدین ما نداشتن یک انشاء درست از نقد اصولی و تعهد منتقد است.

روش پژوهش در این تحقیق، قیاسی و توصیفی می باشد، که به بررسی دلایل ضعف نقد در هنر معاصر ایران، پیشینه نقد، ابزار نقد، قالبهای نقد و تفکیک آنها و تعاریفی در رابطه با اصول نقد هنری پرداخته است.

یافته های تحقیق به این امر تاکید دارد که، اگر منتقد، آگاه و خلاق باشد و موقعیت فردی، اجتماعی و سیاسی جامعه سالم باشد مسلماً نقد اصولی و مفید نیز خواهیم داشت.

واژگان کلیدی:

آسیب شناسی - نقد هنر - ایران معاصر - منتقد هنر - نقد نقاشی

فهرست مطالب:

چکیده

۱	مقدمه
۳	فصل اول: کلیات تحقیق
۴	بیان مسئله
۶	اهداف پژوهش
۶	فرضیات
۶	پرسشها
۹	پیشینه پژوهش
۱۱	فصل دوم: تاریخچه و تعاریف نقد
۱۲	تعریف نقد - نقد چیست، نقد هنری کدام است؟
۱۹	اهمیت نقد هنر و درک اثر هنری
۲۵	جایگاه منتقد هنری در درک اثر هنری
۳۰	ساختار نقد
۳۷	انواع نقد هنر
۵۴	رابطه میان نقد و نقاشی
۵۷	پیشینه نقد (نقد هنری) در ایران
۵۷	چگونگی رسوخ نقد از جهان غرب به ایران

فصل سوم: بررسی وضعیت کنونی نقد در ایران معاصر.....	۶۶
وضعیت کنونی نقد هنر در ایران معاصر	۶۷
معرفی منتقدان هنری و مجلات و منابع نقد	۶۷
نقد (criticism) و بازنگری (review).....	۷۵
تفاوت های نقد (criticism) و بازنگری (review).....	۷۹
مروری بر چند نقد نقاشی در بینالها و نمایشگاهها	۹۰
فصل چهارم : آسیب شناسی نقد هنری در هنر ایران معاصر	۱۱۰
دلایل ضعف نقد و آموزه ای بر رشد آن.....	۱۱۱
مروری بر نظریه دکارت، رولان بارت، فوکو، وریدا و انطباق آن با نقد امروز.....	۱۱۶
آسیب شناسی، پیشنهاد و راهکار.....	۱۲۳
عناصر مهم، یافته ها و راهکارهای پیشنهادی.....	۱۲۵
نتیجه گیری.....	۱۳۳
چکیده انگلیسی	۱۳۸
فهرست منابع.....	۱۳۹
گزارش کار عملی	۱۴۲
آلبوم تصاویر	۱۴۴

کمبود نقد و آشفتگی نقد هنری یکی از دغدغه های هر روز هنر معاصر کشورمان است. و جایگاه فراموش شده آن در جامعه کاملاً محسوس است، در حالیکه امری است بسیار راهگشا برای هنرمندان. نمایشگاهها، بی نیال ها، جشنواره ها و دوسالانه ها به وفور برگزار می شوند و از طرف گالری داران، داور های جشنواره ها و عوامل مجری، آثاری مقبول و آثاری مطرود می شوند. اغلب برای همگان سوال است که قبول و نپذیرفتن آثار طبق چه ارزیابی صورت می گیرد. در اغلب نمایشگاه های جمعی، با نبودن یک خط اعتدال و تناقضات در گزینش آثار و حتی گاهی قرار گرفتن آثار امروزی در کنار آثار "باسمه ای" نسخه برداری شده از اعماق تاریخ نقاشی، ذهن تماشاگر همواره به اینسو و آنسو کشیده می شود و با سرگیجه هنری از نمایشگاه خارج می گردد. گالری داران با سلیقه شخصی خود و بر طبق رابطه برخی از هنرمندان را میپذیرند و برخی دیگر را بی هیچ توجه ای کنار می زنند. بطوریکه هنرمند دلخور و رنجور یا بدنبال راه حلی از یک گالری به گالری دیگر سر در گم می شود و یا خود را از صحنه جامعه هنری کنار میکشد.

در ادامه این مسیر مخاطبان سر در گم و هنرمندان پس رانده شده بدنبال یافتن پاسخ سوالهای انبوه خود به بخش نقد در روزنامه ها و مجلات هنری روی میآورند تا شاید جوابی منطقی بیابند. غافل از آنکه در آنجا نیز اظهار عقیده شخصی و پندار های خام و ناپخته و عدم آگاهی کافی از هنر و تاریخ و نقد هنر و به کارگیری روش غیر اصولی، حکمفرماست و هر کس با صلاحیت یا بی صلاحیت به دعوی برخاسته و بدون هیچ اصل و قاعده ای، هنرمندی را به آتش کلمات خود می سوزاند و دیگری را با اغراق تا عرش بالا برده و می ستاید. لذا بس اسفبار است که نقد هنر محدود شده به این که ؛ این خوب است و آن بد است. بدون در نظر گرفتن اصول نقد هنر.

با مطالعه و پژوهش در آثار منتقدان غرب که در نقد، سنتی پا برجا و دیر پای دارند، با انتشار وسیع مطبوعات و نوشته‌ها درباره نقد هنری، پی می‌بریم که این امر، یعنی نقد هنری، از دیر باز اصول و قوانین خاص خود را یافته و اکثر جنبشهای نو در هنر و تحولات هنری به کوشش منتقدان آگاه آن سرزمینها صورت پذیرفته است. هیچ حرکت هنری فی البداهه و بدون انگیزه و آماده سازی جو و اذهان مخاطبان خاص و عام مانند قارچ سبز نشده است. بلکه در پیشزمینه از نظریات منتقدان نکته بین و آگاه تاثیر گرفته. امری که کمبود آن در هنر ایران بسیار قابل توجه است و می‌تواند لطمه ای سنگین در دراز مدت بر پیشرفت هنر این مرز و بوم بزند.

در آثار هنرمندان غربی بررسی‌های بسیاری صورت پذیرفته و کلیه مقاصد هنرمندان از لا به لای این نوشته‌ها به علاقه مندان عیان شده است. حال آنکه در سرزمین ما بررسیها و نقدهای هنری به تعارفات دوستانه یا مشاجرات کینه توزانه نزدیکترند تا بررسی‌های موشکافانه و قانونمند، و افشاگری و آشنا سازی عامه مردم با آن آثار.

فقدان نقد صحیح از چند جنبه برای جامعه زیان آور است؛ یکی ناشناخته ماندن آثار و هنرمندان. دیگری عدم نمایش آثار موفق به دلیل عمل مغرضانه گالری داران و مسوولان. و در نتیجه بسته ماندن فضای هنر و رکود آن. که متاسفانه کمبود منابع فارسی در این زمینه مزید بر علت می‌شود.

با توجه به کمبودها و محدودیت‌هایی که در زمینه نقد هنری بخصوص هنر نقاشی وجود دارد و در جهت شناساندن و آسیب شناسی نقدهای موجود در این زمینه به این پژوهش روی آورده تا شاید ایجاد انگیزه در علاقه مندان به هنر نقاشی و نقد اصولی آن شود. در ۴ فصل پژوهش، به ترتیب به اهداف پژوهش، تعاریف نقد، وضعیت کنونی نقد در ایران معاصر و آسیب شناسی نقد هنر نقاشی پرداخته ایم. امید است که این نوشته روزنه ای باشد به گلستان نقد هنر کشور عزیزمان.

فصل اول: کلیات تحقیق

بیان مسئله

اهداف پژوهش

پرسشها

فرضیات

پیشینه پژوهش

بیان مسئله

هنر عرصه پهناوری برای رشد استعداد و تجلی نبوغ آدمی است که همیشه از سرآغاز آفرینش همواره با او بوده است. به طور مسلم، آنچه می تواند باعث رشد و ترقی بیشتر در همه زمینه های فعالیتهای انسان دیروز و امروز بشود، مورد بررسی قراردادن و تفکر و بازنگری آن فعالیتها در جهت شناخت نکته های مثبت و منفی و پرورش آنها در راستای رفع معایب می باشد. چه بسا نقد هنر نیز در جهت پیشبرد آن، تسری دهنده و کمک رسان به تعهدات انسانی است.

از هنر و هم از نقد هنر، نمیتوان همیشه توقع آفرینش اثری هنرمندانه داشت.

آدمی در بسیاری از اوقات در قید و بندهای روزانه و مادی و در برابر امر و نهی آن عمل میکند، اما به راستی هنگامی نام آدمی بر وی برانزده است که در اعمال خود، اراده آزاد خویش را دخالت دهد اما آن چه مهم است آن است که آزادی عمل و تعهد والا که شایسته اشرف مخلوقات است را نیز، پیوسته در کنار داشته باشد.

در این بین نقش و وظیفه منتقد هنری در جهت ارتقای هنر جامعه بسیار مهم بوده و بواسطه آن نقد هنر تأثیری شگرف بر روند این پیشرفت خواهد داشت. چه بسا اگر منتقدان هنری و نقد آنها آزادی عمل و تعهد ذکر شده را در راستای برخورد حرفه ای نداشته باشند، نقد و منتقدان نه تنها تأثیری مثبت نخواهند داشت بلکه ممکن است با تبر تیشه بر ریشه هنر یک جامعه زده، و آن را به قهقرای نابودی و ظلمت بکشانند.

آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار می گیرد چگونگی عملکرد نقد و منتقدین امروز ما در وادی هنر کشور عزیزمان با پس زمینه ای عظیم از فرهنگ و تاریخ می باشد و وظیفه ای که در جهت حفظ و پیشرفت آن، هر یک از ما داریم و خواهیم داشت.

منتقد هنری در زمان دریافت اثر، باید در متن همان جنبش و حرکتی قرار گیرد که هنرمند، زمان آفرینش اثر در آن غوطه ور بوده و پیگیر همان حرکت آفرینش با شناخت ایده ها و پیش زمینه فکری هنرمند آن اثر و بازتاب آن باشد.

هر اثری را در سبک و سیاق خود آن اثر بررسی کند و مهمتر از همه موضع خود را مشخص کرده، شیوه نقد خود را از میان شیوه های متعدد نقد هنری انتخاب کند و به خواننده و مخاطب خود معرفی نماید، تا باعث مبهم ماندن ذهن مخاطب در زمینه های مختلف نقد و بررسی نشود.

لذا هنگامیکه ریزه کاریهای یک اثر هنری و وحدت برخاسته از آن، منتقد را به هیجان می آورد و او را به تحسین و اعجاب وا می دارد، نباید فقط رضا دهد که با کار منفعلانه و به تقلید از دیگران، اثر هنری را تحسین، تایید، تصدیق و یا نفی کند. بلکه باید در متن حرکت خلاقیتی که هنرمند را به آفرینش اثر واداشته و نیز جریان هنری روز آن زمان که هنرمند در آن قدم برداشته قرار گیرد و در همان زمینه اثر را مورد بحث و بررسی قرار دهد و به صرف اینکه اثر زیباست یا نیست، احساسی، بداهه سرایی نکند.

لازم به ذکر است که صحبت از نقد و منتقد در رشته های مختلف هنری از ادبیات و شعر گرفته تا موسیقی و هنرهای تجسمی و هنر هفتم، جای صحبت فراوان دارد و از آنجایی که این تحقیق گنجایش چنین بررسی گسترده ای را ندارد و آن بررسی می تواند ده ها جلد کتاب را به خود اختصاص دهد، لذا ترجیحاً در این پژوهش تنها به بررسی نقد هنرهای تجسمی، به طور اختصاصی در هنر نقاشی این مرز و بوم پرداخته می شود.

اهداف پژوهش

اهداف مهم تحقیق به اثبات رساندن آن است که یک منتقد هنری، لزوماً باید اصول و هنر نقد را بشناسد شیوه نقد خود را در ابتدا بیان کند و بدون توجه به مسائل حاشیه ای و روابط، با یک روند درست، به توصیف و سپس تفسیر، و در نهایت به ارزیابی اثر پردازد. در شیوه کاری خود صداقت نقد را در نظر بگیرد و به عنوان یک منتقد متعهد و با اخلاق حرفه ای به کار پردازد. لذا باید آفرینش هنری را با وجه انسانی اش بشناسد و هدف و تعهد را که اموری سراپا انسانیت، از نظر دور ندارد.

متأسفانه امروزه در هنر نقاشی، شاهد نقدهایی هستیم که یا هنرمند را به کل از دست زدن به قلم و انجام کار باز می دارد، و یا چنان وی را بالا برده و دچار خودشیفتگی می کند که جای فکر و پیشرفت بیشتر را نیز از وی می گیرد. لذا باید دید نقد اصولی چیست؟ و چقدر نقد اصولی در روند نمایشگاهها و مسابقات جشنواره های هنر نقاشی انجام می شود.

روش پژوهش، فرضیات و پرسشها

روش پژوهش در این پایان نامه، قیاسی و توصیفی است و ابزار و داده های پژوهش، کتابخانه ای و از سمینارها و سخنرانی های نقد و نشریات و گالری های مختلف جمع آوری شده است. برای اثبات فرضیات پژوهش به پرسشهایی از این دست می پردازیم: نقد چیست و انواع آن کدام است؟ منتقد هنری به چه کسی گفته میشود؟ یک منتقد هنر چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟ ابزار نقد چه تاثیری بر پیشرفت روند اصولی آن خواهد داشت؟ چقدر منتقدین آشنا به ابزار و اصول نقد داریم؟ تعهد چه جایگاهی در نقد دارد و چقدر منتقدین با تعهد حرفه ای به کار می پردازند؟ شرایط و روابط هنری و نیز سیاستهای حاکم بر جامعه فرهنگی چگونه میتوانند تاثیرگذار باشند که منتقدین، نقد درستی داشته باشند؟

در روند پژوهش سعی بر آن شده است تا با شناخت نقد و شیوه های مختلف نقد نقاشی به جواب برسیم که چه کنیم تا نقدهایی بر طبق اصول و قانونمند داشته باشیم و نیز جای خالی نقدنقد را درک کرده و کاری کنیم که منتقدان هنر معاصر ما، غیر از کار نقد و انتقاد، فرصتی برای مطالعه و تحلیل خود نقد و انواع آن بیابند و صرفاً با یک شیوه، آنهم نقد احساسی و یک طرفه، از بن تیشه بر ریشه هنر این مرز و بوم که میراث دار فرهنگ غنی و تمدنی اصیل است نزنند و هنر و هنرمند اصیل و مخاطب واقعی را حمایت کنند، نه گوشه نشین.

با نگاهی به آمار منتقدین کشورمان و با توجه به تخصص علمی-هنری و کار حرفه ای آنها به نتیجه میرسیم که بیش از آنکه هنرمند منتقد لازم داشته باشیم باید منتقد هنرشناس داشته باشیم، منتقدی که ابزار نقد را بشناسد و اصول را رعایت کند. در غرب (البته با توجه به پیش زمینه گسترده ای که در نقد وجود دارد) نکته قابل توجه ای که در «نقد هنر» وجود دارد، آنست که منتقد شیوه نگارش مدنظر هر نقدی را می داند و مشخص میکند از چه منظری به تحلیل آثار هنری میپردازد. مثلاً یکی نقد دریدایی، یا دیگری نقد فوکویی، دیگری نقد میمیتیک و ... دارد و نیز در زمینه نقد تجسمی شیوه مشخص به طور مثال نقد ساختارگرایانه، نقد هرمنوتیک، نقد اجتماعی و یا غیره را دارد. ولی در ایران معلوم نیست منتقد بر اساس چه ضوابطی نقد می کند. به همین دلیل است که نقد هنر ما به جایی مطلوب نرسیده و یک سنت نقد درست و اصولی هنوز شکل نگرفته است.

در روند پژوهش در فصل دوم به بررسی و عنوان پیشینه و منابع نقد میپردازیم، و نیز در همین راستا سابقه نقد در ایران و دلایل رسوخ نظریه انتقادی در فرهنگ این مرز و بوم کهن مورد بررسی قرار می گیرد. فرهنگ و هنری که همیشه آوازه جهان هنر بوده، و هر زمان هنرمندی از غرب از مضامین هنر ما، گرده برداری کرده. منجمله ماتیس و پیکاسو. اما متأسفانه بخاطر بی توجهی به

تئوری و عملکرد و توسعه فکری در جهت منطقی و درست، هنوز شیوه بیان ایده آل در گفتمان در هنر جهانی کم داریم. در ادامه به بیان تعاریف نقد از دیدگاه متفکرین مختلف پرداخته ایم، سپس دلایل حضور نقد و تاثیرات مثبت و منفی آن بر روند هنر یک جامعه و اهمیت آن را مورد بررسی قرار داده تا راحت تر به اهداف نقد و وسیله ها و ابزار آن برسیم، لذا در بحث بعدی انواع نقد را عنوان کرده و شیوه های نقد هنر نقاشی را می شناسیم.

به دنبال آن در فصل سوم به وضعیت کنونی نقد در هنر معاصر ایران نگاهی انداخته و با مروری به نقد آثار در نمایشگاه ها و بینالها به شناخت علل و عوامل آسیب پذیری نقد هنر کشورمان می‌رسیم. در ادامه با هدف اثبات فرضیه تحقیق، نقد هنر، کارآیی و هدف نهایی آن را که شامل: ۱- ادای حق عقل ۲- تصحیح نظر و عمل ۳- رفع نسیان و غفلت ۴- رشد علم و معرفت هنر ۵- معرفی اتفاقات و جریانهای هنر نقاشی ۶- آفت زدایی از بیرون ۷- آشتی دادن فرهنگ و هنر جامعه بخصوص نقاشی با روحیه مردم عامی میباشد را بیان میکنیم، که در آثار نقد هنری بسیار کمرنگ دیده می شوند و همینطور در سطح گسترده تر از اهداف نقد، اصلاح طلبی، در مقابل محافظه کاری که نهایت آن طرح محاسن و دوری از معایب نظام هنری فرهنگی و سیاسی موجود می باشد، در این فصل مورد توجه قرار می گیرد.

در آخر بابت و انتقادات و پیشنهادات و دریافتهای مهم از عوامل ذکر شده در پژوهش به نتیجه گیری می‌رسیم و در نهایت این فرضیه که؛ نقد هنر و منتقدین هنر امروز ما از شیوه نقد اصولی به دور افتاده و چشم پوشی می‌کنند و به علت های متفاوت، در نهایت تابع نقد احساسی و ژورنالیستی کار می‌کنند، که باعث می شود کمتر نقد اصولی داشته باشیم، در روند پژوهش به اثبات می‌رسد.

پیشینه پژوهش:

آنچه اینجانب را بر آن داشت تا در زمینه نقد هنری، آن هم به طور اختصاصی در هنر نقاشی، به مطالعه و تحقیق بپردازم، کمبود منابع داخلی در این زمینه بود. هر چند این دلیل کار را بسیار دشوار می نمود اما نتیجه حاصله تلاشی در خور توجه بود. چه بسا پس از تحقیقاتی که به عمل آمد، مشخص شد که نه تنها کتاب و مقالات به چاپ رسیده در این راستا بسیار کم هستند، بلکه در مقاله ها و پایان نامه های دانشجویان هنر نیز، چه در مقطع کارشناسی ارشد و چه در مقاطع دیگر، پژوهشهای انگشت شماری صورت گرفته است. آن هم در موضوعاتی مشابه اما متفاوت تر. بطور مثال برخی از آنها روند کلی نقاشی در ایران را در نظر گرفته اند. برخی دیگر روند کاری گالریها، بی نیال ها و نمایشگاهها را در نظر گرفته و محدود افرادی به مباحث نقد هنری پرداخته اند که آن هم بسیار جزئی و مختصر تمرکز خود را عموماً روی یکی از انواع نقد هنری گذاشته اند. تقریباً در این میان پژوهشی یافت نمی شود که به مسئله نقد در نقاشی معاصر بپردازد و نقد نقد کند. جز یک مورد که آن هم مربوط به دهه های گذشته است و نیز در آن هیچ بررسی در قالب نقدهای آورده شده و ساختار آنها نشده است. و البته مقاله هایی در این راستا از اساتیدی چون دکتر ضیمران، دکتر پریسا شاد قزوینی و حمید سوری وجود دارد که در این پژوهش از آنها استفاده شده که به عنوان منبع ذکر شده اند.

در مورد مطالب ذکر شده، به ذکر مثالهایی چند از آن پژوهشها می پردازیم:

- نقاشی معاصر ایران از منظر محمدابراهیم جعفری (۱۳۸۱)

- بررسی بی نیال های نقاشی در ایران از آغاز (۱۳۸۴)

- تاملی بر جامعه شناسی نقاشی در ایران. از نیمه اول قرن بیستم تا انقلاب اسلامی (۱۳۸۴)

- بررسی وضعیت نگارخانه های تهران به لحاظ نوع آثار ، مخاطب و تأثیرات فرهنگی، با نگاهی به گالری های لنون (۱۳۸۶)

- تفسیر آثار هنری نقاشی در هرمنوتیک پست مدرن (۱۳۸۴)

- پدیده ای تحت عنوان گالری : بررسی عملکرد در فعالیت ۵ نگارخانه در تهران از سال ۷۵ تا ۸۰ (۱۳۸۱)

- روش نقد آثار نقاشی (۱۳۷۴)

- شناخت نقد و تحلیلی بر موقعیت نقد در هنر معاصر ایران، (۱۳۸۴)

در این پژوهش سعی بر آن است تا با استفاده از منابع، مقالات و پژوهشهای ذکر شده، به شناخت نقد پرداخته و آن را از جنبه های دیگری که تا به حال به آن پرداخته نشده است مورد بررسی قرار دهیم. لذا به صورت خاص روی نقدهایی که بر نمایشگاه های نقاشی دهه اخیر نوشته شده است، تمرکز کرده و با توجه به تفاوت انواع نقد و قالب های آن در مدیوم های مورد استفاده به بررسی آنها پرداخته شده است. در این راه از ترجمه کتب لاتین گرفته تا جزوات و کلاسهای نقد اساتید بهره گرفته شده است.

لازم به ذکر و بدیهی است که با توجه به منابع کم و پیشینه ضعیفی که در این رابطه وجود دارد، با سختی فراوان مطالب گردآوری شده اند و طبیعتاً از ضعفها و مشکلاتی برخوردار خواهد بود، که تنها تحقیقات بیشتر در زمانی طولانی تر میتوانست برطرف کننده آنها باشد. که به علت ذیق وقت فرصت آن در این مقال نمی گنجید. لذا عذر خواهی خود را جهت ضعف های موجود پیشاپیش اعلام کرده و از حسن نظر شما در توجه به نقاط قوت آن ممنون و متشکرم.

فصل دوم: تاریخچه و تعاریف نقد

- تعریف نقد - نقد چیست، نقد هنری کدام است؟
- اهمیت نقد هنر و درک اثر هنری
- جایگاه منتقد هنری در درک اثر هنری
- ساختار نقد
- انواع نقد هنر
- رابطه میان نقد و نقاشی
- پیشینه نقد (نقد هنری) در ایران
- چگونگی رسوخ نقد از جهان غرب به ایران

تعریف نقد

واژه نقد و معانی آن:

در این قسمت به تعریف نقد در گفتار فارسی و دیدگاههای صاحب نظران این مرز و بوم پرداخته، سپس خلاصه ای از نظرات متفکران سایر ملل در باب نقد و معنای آن را بیان می کنیم.

گفته می شود که واژه نقد ("critic") از ریشه لاتین ("cerner") به معنای جدا کردن آمده است . که این واژه خود دارای تبار یونانی ("Krinen") است.^۱

ابتدا نگاهی میاندازیم به کتابهای مرجع فارسی و معانی نقد در آنها، از جمله در واژنامه آریانپور در برابر واژه ("criticism") معنای نقد ادبی، انتقاد، عیب جویی، نقدگری، نکوهش آمده است. در برابر واژه ("critic") نقدگر، نکوهشگر، سخن سنج، نقاد، انتقاد کننده، کارشناس، خبره، قرارداد شده است و واژه (criticize) را نقد ادبی کردن، انتقاد کردن، نکوهش کردن و (critique) را فن انتقاد و مقاله انتقادی بیان میکند .

اما از دیدگاه زبانشناسی در گفتار فارسی محمود کیانوش چنین می گوید: «... کلمه نقد در زبان گفتاری فارسی در نخستین معنای عام به آنچه در حال داده شود و خلاف نسبی» (در کتاب منتهی الارب) اطلاق می شود.^۲

دومین معنایی که از آن در زبان گفتاری و نوشتاری بر می آید بر محک زدن است و سنجیدن، خوب و بد چیزی را نمودن است. فرهنگ معین معنای لغوی نقد را جامع تر بیان می کند: " ۱-

^۱ - احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، جلد دوم، ۱۳۷۰، ص ۷۱۲.

^۲ - کیانوش، محمود، قداما و نقد ادبی، ۱۳۵۴، ص ۷.